

# پیکار کردستان



حق تعیین سرنوشت  
حق مسلم خلقهاست

بها ۲۵ ریال

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - کمیته کردستان

۵۹۹/۱۵

کتابخانه ایرانی  
Iranische Bibliothek in Hannover  
۹۸۶۱

## نظاھرات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

۱۲۰ نفر توسط پاسداران ارتجاع دستگیر شده اند



شیوه جدید هیئت حاکمه

## قتل عام منظم زخم تگشان کرد

اخباری که میرسد حکایت از عمق جنایت و فاجعه دارد : در ایندرفاش ۴۶ نفر، صوفیان ۳ نفر، یوسفکند ۶ نفر، سرکوانی ۱۷ نفر و ۰۰۰ به فجیعترین شکلی بدست جلادان رژیم جوهپوری اسلامی قضا شدند در زخمیان آنها را بهر گبار گلوله بستند، چشمانشان را از حدقه در آوردند، و بدن بی جانشان را تکه تکه کردند، مهاجمین پس از کشتار و غارت اموال و دارو، در زخم تگشان روستاهای فوق خانها و انبارهای علوفه را به آتش کشید و از بین بردند و تلی از خاکستر بر جای گذاشتند. این جنایات وحشیانه که بصورت قتل عام روستائیان بیگناه انجام می گیرد بی اختیار قتل عام تودهای مردم توسط فاشیستهای هیتلری در جنگ بقیه در صفحه ۲

## دفاع طلبان و جنبش مقاومت

- رزمندگان: آتش بس و مسئله ای بنام جبهه سوم
- راه کارگر : صلح پایدار و دفاع از مرزها

در تاریخ احزاب سیاسی همواره لحظاتی پیش می آید که آنها با یستی این یا آن اتفاق " غیر مترقبه " در روند مبارزه طبقاتی و تغییر تحولات اجتماعی را بسرعت تجزیه و تحلیل کرده و تاکتیک مناسب با آنها اتخاذ کنند. در چنین لحظاتی است که جریانات مختلف واقعیت مشی و مواضع خویش را بطور آشکاره نمایش میگذارند. در این بقیه در صفحه ۵

## ضربات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم

در تاریخ ۱۲ / ۸ / ۵۹ در مسیر جاده کامیاران - سنندج، بین دو پایگاه دشمن ( مروارید - مله کیو ) و در نزدیکی آبادی " بوانه " یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار ( دسته شهید مسعود ) به کمین نیروهای دشمن نشستند در ساعت ۲۰ و ۵ دقیقه بعد از ظهر یک جیب فرماندهی ارتش با پنج سرنشین مورد حمله قرار گرفته و یکی در هم کوبیده شد که بعد از طی مسافتی در همین اثنا یک لند رور حامل جاشوها سوار که در ریس جیب ارتشی در حرکت بود توسط پیشمرگان متوقف گردید که چون جای هیچگونه گریزی نداشتند میخواستند تسلیم شوند ولی به علت اینکه تنی چند از آنان قصد مقاومت و مقابله با بقیه در صفحه ۸

### حزب دمکرات

### در دفاع از مالکین

صفحه ۱۷

## مهاباد : مبارزه و مقاومت توده ها همچنان ادامه دارد

صفحه ۱۱

## جاشها به جان هم افتاده اند

صفحه ۱۶

صفحه ۱۳

## حملات گسترده پیشمرگان کومه له به مزدوران رژیم

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران

## سرمقاله

دوم جهانی، تروریستهای صهیونیست در فلسطین (دیرپاسین اوامپریالیست های آمریکائی را در ویتنام (می لای) در خاطرها زنده میسازد. جنایت هائی که نشان دهند ما هیئت ارتجاعی رژیم و عاملین این کشتارهاست، که در سرکوب خلق کرد و توده های ستمدیده ایران از هیچ وحشیگری و درند خوئی فروگذار نکرده و نمی کنند.

رژیم جمهوری اسلامی که اینک درگیر جنگ با رژیم ضد خلقی بعث عراق است، در هفته های اخیر همراه با تشدید جنگ، برکشتار توده های خلق کرد افزود ما است. امروز سیاست سرکوب رژیم، بصورت گوناگون در سراسر کردستان پیاده میشود، روستاهای منطقه سردشت چون "میرآوا" و "اواوان" و "آبایا" فانتومهای آمریکائی میکوبد روستاهای منطقه کامیاران را، خمپاره باران میکند. در شهرها موج خفقان، ترور و اعدام راه انداخته است، و اینک در منطقه نقده، شهرویران و پیرانشهر به قتل عام روستائیان بیدفاع کرد دست میزند. این سیاست کل رژیم بوده و جناحهای مختلف آن بر سر سرکوب خلق کرد و سایر توده ها "میثاق وحدت بسته اند. اما آنچه که این قتل عامها را، ویژگی میبخشد، شکل اجرا و اهدافی است که عاملین آن بدنبالش هستند. این شکل از سرکوب سیاست

و عملکرد باند های معینی از حزب جمهوری اسلامی است که در اتخاذ اشکال و شیوه های سرکوب "ملاحظه کن" برادران "لیبرال" خود را ننهادند سیاستهای این باند را در ریاجان غربی بوسیله افرادی چون "ملاحسنی" (امام جمعه نماینده مجلس شورا) و "معبودی" ساواکی سابق و زمیندار بزرگ منطقه نقده) نمایندگی و اجرا

میشود.

آنها عاملین اصلی برپائی جنگ نقده قبل از نوروز ۵۸ و کشتارهای روستاهای "قارنا" و "قلاتان" بودند و اینک در شرایطی که جنگ ارتجاعی رژیم و عراق در جریان است، وافسکار عمومی توده های خلق متوجه اخبار و حوادث جنگ و فشار اقتصادی و بار سنگین ناشی از آن میباشد، از فرصت استفاده کرده، منظم و با برنامه دست به قتل عام توده های کرد میزنند. هدف این قتل عامها ایجاد رعب و وحشت در میان روستائیان کرده، است تا به این وسیله با ترساندن زحمتکشان کرد، آنها را به عدم حمایت از پیشمرگان جنبش مقاومت وادار سازند.

"ملاحسنی" که در میان توده های ناآگاه و توهم زده ترک نفوذ دارد، توانسته است با استفاده از موقعیت خود، جنگ تبلیغاتی وسیعی بر علیه جنبش مقاومت خلق کرد بر راه اندازد. او سعی میکند احساسات توده های ترک را به بازی گرفته، جنگ میان خلق کرد و رژیم را جنگ شیعه و سنی و ترک و کرد نشان دهد. بدینوسیله توده های ترک را بر علیه خلق کرد بسیج نماید. متأسفانه در اجرای این سیاست ننگین تا حدودی نیز موفق بوده است. بطوریکه در شهر نقده بسیاری از "ترکها" مسلحند و در کمیته های نقده و یاد بسیج مستضعفین فعالیت میکنند. و عملاً بصورت مجریان سیاستهای عمال رژیم چون ملاحسنی و معبودی درآمد ماند.

تبلیغات عوامفریبانه رژیم و عمالش چون ملاحسنیها، ذهن اهالی ترک منطقه را با ایده های مسموم ناسیو-نالیستی و تعصبات مذهبی آغشته است و مانع تشخیص حقایق از جانب آنها میشود. رژیم از "پالک نیتیسی" توده ها سو استفاده میکند و آنها را به جنگ برادر کشی می کشاند. تا-

آگاهی توده ها از طرف رژیم بصورت سلاحی برضد همبستگی و اتحادشان بکار گرفته میشود و به این ترتیب تخم کینه و نفرت در دل زحمتکشان ترک و کرد بارور میشود.

اما آنچه که در تحلیل این نوع شیوه سرکوب از طرف رژیم میبایست مورد توجه قرار گیرد، اینست که دشمن دچار ضعف و زبونی است امیری که در جریان دو دوره جنبش مقاومت به اثبات رسیده است. هیئت حاکمه در جریان جنبش مقاومت از اینک نتوانسته است جنبش خلق کرد را سرکوب کند. چون ما ر زخم خورد های به خود می پیچد. از اینروست که بر سرکوب خلق می افزاید سیاست تشدید سرکوب سیاست "میثاق وحدت" و جناح اصلی رژیم یعنی "لیبرالها" و حزب جمهوری اسلامی است. لیکن "لیبرالها"، کمسیاست "چماق و نان شیرینی" را بخوبی آموخته اند از چنین شکل سرکوبی ناراضی اند و از آن در مبارزه بر علیه حریف خود.

حزب جمهوری اسلامی استفاده خواهند کرد، در حالیکه خود فرمان بمباران و خمپاره باران روستاهای کردستان را امضاء میکنند!

اما انعکاس این سیاست در جنبش مقاومت خلق کرد و نیروهای سیاسی آن چیست؟ در برابر این حرکات رژیم در منطقه دو سیاست و دو تاکتیک یکی انقلابی و دیگری ضد انقلابی، خود را نشان میدهد. نیروهای انقلابی و کمونیست معتقدند که در اتخاذ تاکتیک مناسب میبایست اساسی را برد و عامل قرار داد، مقاومت و مبارزه و برادری خلقها. حقانیت جنبش مقاومت و عادلانه بودن آن در این است که نه فقط برای حق تعیین سرنوشت خود مبارزه میکند، بلکه جزئی از مبارزه دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران است. و به این بقیه در صفحه ۱۸

## نظاھرات ۱۵۰۰ نفری دانش آموزان سقز

مبارزه و مقاومت خلق کرد بر علیه هیئت حاکمه ضد خلقی وارگانهای سرکوبگر آن به اشکال مختلف ادامه دارد. تظاهرات اخیر دانش آموزان مبارز سقز جلوه ای از این مبارزه است تظاهرات به این ترتیب آغاز گشت که دانش آموزان مبارز سقز پس از دو روز تجمع در رابطه با بازگشائی مدارس و برگزاری امتحانات تجدیدی دست به یک راهپیمائی زدند. روز ۱۰/۹ تعدادی از دانش آموزان که تعدادی از هواداران چریکهای (اکثریت) نیز در میان آنها بودند در جلو آموزش و پرورش اجتماع نموده و خواهان باز شدن مدارس گردیدند. روز بعد تعدادی دیگر از دانش آموزان در رابطه با امتحانات تجدیدی و اعتراض به نتایج امتحانات در همان محل گرد آمدند. بعد از بحث و افشاگری هواداران پیکار و کومله حرکتی سیاسی و اعتراضی بر روی محور بازگشائی مدارس شروع به شکل گرفتن نمودولی هواداران (اکثریت) با تهیه توماری با ۱۴۰ امضا و تایید جمهوری اسلامی و رهبری امام خمینی "سعی نمودند حرکت اعتراضی را در محدوده صنفی و فرمیستی نگه داشته و مانع از آن شوند که این حرکت به یک اعتراض گسترده سیاسی علیه رژیم تبدیل گردد. اما کار متشکل و فعالانه دانش آموزان

انقلابی منجر به راهپیمائی اعتراضی روز بعد (۱۱/۱۰/۵۹) از محل آموزش و پرورش به سوی میدان "هلو" گردید. دانش آموزان در مسیر خود با دادن شعارهایی همچون "مدارس سنگرافشاگری"، "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" تنفر خود را از رژیم ضد خلقی و امپریالیسم آمریکا نشان دادند و مورد استقبال وسیع توده ها قرار گرفتند. در میدان "هلو" به هنگام خواندن قطعنامه، دانش آموزان که بیش از ۱۵۰۰ نفر بودند و اکثریت آنان را دانش آموزان دختر تشکیل میدادند، مورد هجوم جاشکها مزدور و پاسداران ارتجاع قرار گرفتند. در این هجوم سرکوبگران خلق دست به تیراندازی زمینی و هوایی زدند که منجر به زخمی شدن ۳ نفر گردید. پاسداران با کتک زدن و حشایشه دانش آموزان و در حالیکه بیشمارانه آنان را "ستون پنجم" و "ضد انقلاب" و ۲۰۰ نفر می نامیدند، بیش از ۲۰ نفر را دستگیر نمودند، که در همان محل مورد اعتراض مردم قرار گرفتند. روز بعد پاسداران سقز در توجیه اعمال ارتجاعی خود اطلاعیه ای صادر نمودند که در آن خود را "مرجع نهائی حل مشکلات اجتماعی" (حتما بزور چماق و زور) دانسته و هرگونه تظاهرات را در شرایط جنگ بفتح آمریکا

خوانده است (گویی قبل از جنگ تظاهرات آزاد بوده است و اینان دست به سرکوب هر حرکت اعتراضی نمی زدند!) در این اطلاعیه سپا پاسداران تهدید کرده است که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت و با دستگیرشدگان بشدت رفتار خواهد نمود." گویی این جنبش دانش آموزی و بویژه در شهر سقز نبود که چه در جریان جنبش مقاومت اول و چه اکنون بارها با سرکوب خونین تیرباران و زندان روبرو بوده است. دانش آموزان مبارز سقز تاکنون دهها شهید، دهها آذرخش، دهها عطا طائی و ۲۰۰ در راه آزادی زحمتکشان فدا نموده اند. این بار نیز از دستگیری، زندان و اعدام و همه ای ندارند. رژیمهای ضد خلقی از جمله رژیم شاه خائن هم ادعا می نمود که "جلوی هرگونه تظاهرات را خواهد گرفت" ولی خشم توده ها همچون پتکی آنها در هم کوبید. جمهوری اسلامی نیز چنین ادعائی را مینماید و بی تردید سرنوشتی بهتر از آن رژیم نخواهد داشت. در ادامه اعلامیه "پاسداران" آمده است که "چه میشود که جوانان سقز یکسال و یا ۲۰۰ (خدا میداند چند سال!) درس نخوانند و حداقل کک را به این وسیله به انقلاب بکنند." آری این "انقلاب" (بخوان ضد انقلاب) که این مرتجعین منادی آن باشند لازمه ←

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

اش عدم آگاهی توده ها وابسته شد  
مدارس، این سنگهای آزادی است.  
سپاه پاسداران در اعلامیه شان  
دلیل بستن مدارس را چنین گفته اند  
" چنانکه اطلاع دارید آموزش و  
پرورش منطقه در ابتدای بازگشائی مدارس  
راهنمائی اعلام عدم برگزاری امتحانات  
تجدیدی را نموده بود و دبیرستان راتا  
پاکسازی کامل از عناصر وابسته به از  
نخواهد نمود." منظور پاسداران از  
"عناصر وابسته" همان معلمان و  
دانش آموزان انقلابی هستند که در جهت  
آگاهی و دفاع از منافع خلق مبارزه می  
کنند. اما این خود بهانه ایست برای  
اینکه امکان تجمع دانش آموزان دبیرستان  
را که از آگاهی بالاتری برخوردارند  
را بگیرد. رژیم و سپاه پاسداران هم  
از همین تجمع متوحشند، زیرا میدانند  
که تجمع دانش آموزان انقلابی به  
تظاهرات سیاسی و افشاگری علیه رژیم  
بدل خواهد شد. از این جهت وظیفه  
همه دانش آموزان انقلابی سقز و همچنین  
دانش آموزان سایر شهرهای کردستان  
میباشد که با پشتیبانی فعال خود و با  
کار افشاگرانه وسیع و با اشکال دیگر  
مبارزه، از جمله تظاهرات، موجبات  
آزادی محصلین زندانی را فراهم نمایند  
بر طبق آخرین اطلاعات، رسیده عده  
زیادی از بستگان دانش آموزان زندانی  
روز پنجشنبه ۱۳/۹ در جلوی مقر  
سپاه پاسداران تجمع نموده و خواهان  
آزادی دانش آموزان زندانی شده بودند.  
پاسداران ارتجاع برای پراکنده نمودن  
مردم نازنجکی به میان آنان پرتاب نموده  
که منجر به شهادت یک زن و یک پسر و  
و همچنین زخمی گردیدن دوزن شده

است. خانواده های زندانیان وزخمی  
شدگان اعتراض را به نقاط دیگر شهر  
گسترش داده و در همه جا از پشتیبانی  
وسیع مردم برخوردار شده اند.  
در رابطه با تظاهرات فوق و برای  
موفقیت هرچه بیشتر جنبش دانش  
آموزی، لازم می دانیم توجه دانش  
مبارزان را به چند نکته جلب نمائیم:

۱- دانش آموزان انقلابی میبایستی  
توجه داشته باشند که در شرایط فعلی  
هر خواست صنفی را میبایست به  
خواست سیاسی ارتقا داد و تلاش نمود  
تظاهراتی را که بر مبنای خواستهای  
صنفی شروع میگردد به تظاهرات سیاسی  
بدل نمود. روزیونیستهای رنگارنگ  
( "اکثریت"، "توده" و "۰۰۰" ) کوشش  
مینمایند میازات دانش آموزی را در  
محدوده صنفی و قابل قبول برای رژیم  
نگهدارند. باید چنین کوششهایی  
را افشا کرده مبارزه صنفی را به مبارزه  
سیاسی ارتقا داد و تلاش کرد که  
مبارزات سیاسی مستقل را سازمان نماند  
۲- در تظاهرات باید شعارهایی  
را مطرح نمود که نه تنها مبین خواست  
های صنفی و سیاسی دانش آموزان باشد  
بلکه خط فاصل ما را با روزیونیستها  
و سازشکاران، خط فاصل انقلاب و ضد  
انقلاب را نیز به روشنی ترسیم نماید  
میبایست سعی کرد شعارهایی را  
انتخاب نمود که از نظر محتوی و حتی  
شکل با شعارهای روزیونیستها مشابه  
نیاشد. شعار میمانند "مرگ بر آمریکا  
مرگ بر ارتجاع" و یا "دانش آموز میزند  
ارتجاع میلزد" و همچنین شعارهایی  
در باره جنگ ارتجاعی اخیر که میتوان  
از نشریات سازمان بدست آورد شعار

های سیاسی مناسبی هستند که با یستی  
تبلیغ گردند.

۳- افشا و طرد سیاست و برنامه  
روزیونیستها بعنوان یک محور تبلیغی  
ترویجی میبایست همیشه در دستور  
کار باشد تا آن دسته از هواداران صادق  
آنها را بتوان بسمت نیروهای انقلابی  
و خط انقلاب سوق داد.

۴- بیشترین تعداد دانش آموزان  
باید در هر تظاهرات شرکت نمایند و  
این میسر نخواهد بود مگر با کار فعالانه  
و برنامه معدن بردن آن به میان وسیع  
ترین توده های دانش آموزی. خواست  
های تظاهرات و شعارهای آن با یستی  
در میان توده های هرچه بیشتری از  
دانش آموزان تبلیغ شود تا تظاهراتی  
هرچه گسترده تر علیه رژیم انجام گردد  
۵- جنبش دانش آموزی باید و نباید  
جنبش زحمتکشان نمیتواند تدام و عمق  
پیدا نماید. بنابراین شعارها و  
خواستهای آن باید در میان زحمتکشان  
شهر تبلیغ گردد تا توده های وسیع  
خلق فعالانه از آن پشتیبانی و حمایت  
نمایند. تظاهرات میبایستی به محل  
تجمع توده همگرا کشانیده شود.  
پس بطور خلاصه، گسترش مبارزات  
سیاسی و ارتقاء مبارزات صنفی به سطح  
سیاسی، ترسیم خط فاصل با  
روزیونیستها و افشا و طرد آنان، شرکت  
فعال، با برنامه، با شعارها و سازماندهی  
مناسب توده ای کردن هرچه بیشتر  
مبارزه و کشاندن آن به میان زحمتکشان  
و ۱۰۰ این است آنچه دانش آموزان انقلابی  
در ادامه همه جانبه مبارزه خود و  
دفاع از جنبش مقاومت با یستی انجام  
دهند.

## دفاع طلبان و جنبش مقاومت

مواقع است که جریانات مختلف واقعیت مشی و مواضع خویش را بطور آشکار به نمایش میگذارند. در این لحظات گرایشات موجود در تفکر حاکم بر هر جریان در شرایط عادی، بشکل برجسته و پررنگ خود را در موضع و شعارهایی که این جریان در این لحظه مطرح می سازد به عیان نشان می دهند. شعارهایی که چه بسا نقش تعیین کننده ای در جهت گیری و سرنوشت این جریان بازی کنند.

اکنون نیز در لحظه حساسی از روند مبارزه طبقاتی و تخییر و تحول لات در جامعه مان قرار داریم - انعکاس جنگ میان رژیم جمهوری اسلامی و رژیم عراق که ظاهراً ناگهانی و غیره مترتبه بودند مواضع اتخاذ شده توسط نیروهای مختلف جنبش کمو - نیستی، عمق گرایشات موجود در نقطه نظرات و تفکر حاکم بر آنها را در تحلیل ها و شعارهایشان با روشنی نشان داده و سمت حرکت آنها را تا حدود زیادی تعیین نموده است.

در اینجا مایه کوشش مواضع نیروهایی که در جنگ اخیر موضع دفاع طلبی اتخاذ کرده اند را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت هیئت حاکمه در کردستان در شرایط کنونی با توجه به نکات فوق مورد بر-

رسی قرار داده و نشان دهیم که چگونه نتیجه محتم "دفاع طلبی" در رابطه با جنگ ایران و عراق، ارائه تزه های سازشکارانه در قبال مبارزه خلق کرد، تبلیغ سازش طبقاتی در کردستان و دامن زدن به توهم توده ها نسبت به هیئت حاکمه و در نهایت خدمت به بورژوازی است. در این جهت، مواضع "رزمندگان" و "راه کارگر" را مورد بررسی و بررسی قرار می دهیم.

### رزمندگان

#### و مسئله ای بنام "جبهه سوم"

سازمان رزمندگان در شماره ۳۲ نشریه خود در مقاله ای تحت عنوان "آتش بس در کردستان به نفع خلق های ماست" بعد از مقداری وقایع نگاری و توصیف ادامه سرکوب خلق کرد توسط نیروهای سرکوبگر رژیم در شرایط جنگ ایران و عراق، از موضع خویش اعلام میدارد: "با وجود آنکه خلق قهرمان کرد آماده است تا برای جلوگیری از تجاوز ارتش بعث عراق همه توان و قدرت خود را به کار اندازد و توانایی آنها هم دارد که برخلاف نیروهای ارتشی و پاسدار که شهر قصر شیرین را در حالت فرار ترک کرده و منهنم شده اند، کاملاً در مقابل نیروهای متجاوز بعث عراق ایستادگی کند و با وجود آنکه دولت جمهوری اسلامی اعلام کرده است که شهرهای سر-

دشت و بانه توسط عراق بمباران شده اند و ۲۰۰۰ با وجود همه اینها ارتش و سایر نیروهای مسلح جمهوری اسلامی شهرهای کردستان و در حال حاضر مهاباد را وحشیانه به توپ می بندد و مردم را کشتار ویا در میان کوهها سرگردان کرده اند" و سپس ادامه میدهد "دشمنی هیئت حاکمه با خلق کرد بیشتر است تا با رژیم بعث متجاوز عراق. به این دلیل است که به جای گشودن جبهه سوم بر علیه متجاوزین عراقی در کردستان، به جای اینکه اعلام آتش بس نماید و جنگ با خلق کرد را خاتمه دهند (!) همچنان به محاصره اقتصادی نظامی و کشتار خلق کرد ادامه میدهد (تاکیدات باد و خط از ما و یا یک خط از خود رزمندگان است).

نقل قول فوق که جوهر مقاله و دیدگاه امروز رزمندگان را نسبت به مبارزه خلق کرد و حرکت رژیم نشان میدهد اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه ای است میان انقلاب و ضد انقلاب مخدوش کرده و این نتیجه را القاء می نماید که گویا منافع مشترکی میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسوس شدن و بر یک جبهه قرار گرفتن با رژیم را قرار میدهد.

رزمندگان رابطه میان انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش میکند، زیرا

دفاع طلبان و...

واقعیت را بطنه موجود میان خلش کرد و رژیم حاکم که رابطه ای است خصمانه و آشتی ناپذیر و به همین دلیل بصورت مقاومت و مبارزه خلق کرد علیه هیئت حاکمه تجلی یافته است را وارونه جلوه می دهد "رزندگان" میگوید: "با وجود آنکه خلق کرد ۱۰۰ آماده است ۱۰۰ در مقابل رژیم عراق ایستادگی کند ۱۰۰ ارتش ۱۰۰ شهرهای کردستان را به توپ میندد"، معنی این حرف اینست که خلق کرد رابطه با جنگ ایران و عراق و برای شرکت در آن اعلام آمادگی کرده و حاضر به توقف یا تخفیف مبارزه خود علیه جمهوری اسلامی شده ولی "با وجود این" رژیم به سرکوب خود ادامه میدهد. در اینجا نه تنها واقعیت موجود در کردستان و موضع نیروهای سیاسی فعال در آن تحریف شده است بلکه این ایده به خواننده القا میشود که گویا رژیم بطور کلی قابلیت طبقاتی توجه به خواستهای خلق کرد و برآوردن آنها را دارد، و اگر چنین نمی کند امر تعجب انگیزی است. رزندگان متعجب است که چرا رژیم حتی در شرایط جنگ با عراق به سرکوب خلق کرد ادامه میدهد.

**وقتی دفاع طلبی به صلح طلبی**

**روپرونیستی تبدیل میشود**

"رزندگان" در این "تعجب" و در واقع تاثر از دیدگاه انحرافی نسبت به ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری

اسلامی، از یک طرف از رژیم بازخواست می کند، که چرا خلق کرد را سرکوب می کند و "جبهه سوم" علیه رژیم عراق باز نمی کند، و از طرف دیگر به خلق کرد رهنمود میدهد که همسرود رکن رژیم "جبهه سوم" را

موجود به هیچوجه آماده اعلام آتش بس تخفیف مبارزه علیه رژیم حاکم نیستند. توده های خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال علیه رژیم آنگونه که "رزندگان" قلمداد می کند، دچار "دفاع طلبی"

● "رزندگان" اولاً رابطه میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد را که رابطه ای است میان انقلاب و مخدوش کرده و این نتیجه را القا می نماید که گویا منافع مشترکی میان هیئت حاکمه و خلق کرد وجود دارد و ثانیاً در مقابل جنبش مقاومت نه ادامه مقاومت و مبارزه، بلکه توقف یا تخفیف آن و همسو شدن و دربرگیرنده جبهه قرار گرفتن با رژیم را قرار میدهد.

علیه رژیم عراق بوجود آورد (البته اینکه در این میان "صاف مستقل" چه شد و این "صاف مستقل" در شرایطی که رژیم است که "جبهه سوم" را می گشاید دیگر چه معنوی پیدا میکند، سئوالی است که "رزندگان" بایستی پاسخگو باشد). "رزندگان" در حالی که بیش از یکسال از سرکوب بی امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد خاتمه دهد!!

واقعیت اینست که خلق کرد و نیروهای انقلابی فعال کردستان نه تنها به دلیل ماهیت ارتجاعی جنگ میان رژیم های ایران و عراق خواهان شرکت در آن نیستند بلکه اینک ضمن ادامه مبارزه و مقاومت علیه رژیم جمهوری اسلامی بعنوان دشمن اصلی آماده اند هرگونه تجاوز رژیم بعثت در کردستان را رهم بکنند) بلکه مشخصاً در شرایط کنونی و با وضع

نیستند و ماهیت جنگ را نه از زاویه "تهاجمی" و "تدافعی" بودن آن، بلکه بر اساس سیاستی که جنگ در ادامه آن بوجود آمده طبقاتی که جنگ را به پیش میزنند، ارزیابی می کنند، بنا بر این علیه آن موضع میگیرند و تنها راه مقابله با آنرا بسط و گسترش جنبش مقاومت میدانند. آنها از ادامه و حتی گسترش سرکوب (توجه شود به سلسله کشتارهایی که در روستاهای اطراف ارومیه و نققه انجام میگیرد) متعجب نیستند زیرا یکی از اهداف جنگ را بدرستی تشدید سرکوب انقلاب و نیروهای انقلابی توسط همین رژیم جمهوری اسلامی میدانند، امری که تمام نقاط ایران مصداق پیدا کرده است. بعلاوه - خلق کرد در تجربه خونین خود دریافته است که نمی توان با درخواست های عاجزانه و بانصیحت رژیم رابه دادن امتیاز و مثلاً اعلام آتش بس وادار نمود بلکه تنها گسترش جنبش

دفاع طلبان و...  
 وکشاندن رژیم به موضع ضعف است که آنرا به عقب نشینی وا میدارد. گذشته از اینکه، حتی اگر رژیم در شرایطی تن به آتش بسبب دهد در آن شرایط نیز خلق کرد با توجه به توازن قوا و اوضاع عمومی جنبش و با شروط مشخص حاضر به قبول چنین آتشی خواهد بود.

اینها اصول ابتدایی و حقایق روشنی است که به سادگی توسط "رزمندگان" به فراموشی سپرده شده اند. فراموشی‌ای که نتیجه منطقی در غلتیدن "رزمندگان" به "دفاع طلبی" و تشدید گرایشات رویزیونیستی در آنهاست.

### رزمندگان در گذشته چه می‌گفت؟

واقعیت اینست که "رزمندگان" گذشته ای نه چندان دور خود به این حقایق اعتراف داشت و بر آنها پای می‌فشرد. "رزمندگان" آنزمان که سازمان چریکها (اکثریت) در ادامه و تشدید گرایشات رویزیونیستی اش و تحت همین بهانه که خطر امپریالیسم آمریکا و تجاوزات عراق و عوامل پالیزیان وجود دارد به طرح شعار "صلح عادلانه" برای تحکیم "مبارزه ضد امپریالیستی" پرداخت و از هیئت حاکمه خواهلن قطع سرکوب و برقراری "صلح" در کردستان شد در "پیک رزمندگان" در

برخورد به بیانیه مشترک سازمن چریکها (اکثریت) و حزب دمکرات نوشت: "۰۰۰ نه، سازمان چریکها فراموش نکرده بلکه در صلح جویی فقط یک اشتباه کوچک مرتکب شده و صلح

تنها میتوان در یکی از دو وجهه — جنگید یا در کنار کارگران و زحمتکشل یاد رکنار دشمنان زحمتکشان ۰۰۰" (تاکیدات از ماست)

بنظرمی رسد جماعات فوق روشن

● "رزمندگان" در حالی کمبیش از یکسال از سرکوب بی امان و خونین خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی میگذرد انتظار دارد که رژیم به همین سادگی اعلام آتش بس نماید و جنگ را با خلق کرد "خاتمه دهد"!

را از بالا نیها از بنی صد رو فرو هر از کسانی که خودشان جنگ کردستل را براه انداخته اند خواستار است (تاکید از ماست) و بعد از مقداری توضیح ادامه میدهد: "می بینیم در هر دو حال این مقاومت جانپازانه خلق کرد بود که هیئت حاکمه را وادار به صلح و مذاکره کرده و نه صلح طلبی محافلی از هیئت حاکمه ۰۰۰ آیا صلح با قبول استقرار پاسداران و ارتش با قبول بازس گرفتن همه گونه آزادی های خلق کرد، با قبول سرکوب مبارزک خلق کرد، می تواند مطلوب خلق کرد باشد و آیا هیئت حاکمه جز با ایسن شرایط حاضر است به صلح تن دهد؟ تقاضای صلح از هیئت حاکمه بمعنلی عقب کشاندن مبارزه خلق کرد و سعی در سازش بین خلق کرد و دشمنان خلق کرد و خلقهای سراسر ایران است".

صلح در کردستان تنها با مقاومت هرچه بیشتر خلق کرد و سازمانهای سیاسی آن در مقابل تهاجمات هیئت حاکمه میتواند برقرار گردد ۰۰۰ در تمام یک مبارزه و در نهایت

تراز آنست که احتیاج باشد باز هم به توضیح و تفسیر موضع اخیر "رزمندگان" بپردازیم. ولی ممکن است "رزمندگان" مطرح کنند که امروز اوضاع فرق کرده است و ایران مورد هجوم عراق و امپریالیسم قرار دارد و دیگر نمی توان مانند گذشته استدلال نمود هر چند چنین جوابی نیز نمی تواند توجیهی بر مواضع امروز "رزمندگان" و تغییر احکام "پیک رزمندگان" باشد. ولی با این حال به خود "رزمندگان" مراجعه می کنیم تا ببینیم حتی در صورت پیش آمدن چنین شرایطی "رزمندگان" در گذشته چه گفته است. در "رزمندگان" شماره ۱۵ در مقاله تحت عنوان "راه کارگرد دفاع از میهن یا مبارزه طبقاتی" در اوخر مقاله چنین میخوانیم "ما بعنوان افراد کمونیست و وظیفه داریم، توده ها را حول اساسی ترین مسائل، حول آن جریانی که راه را برای انقلاب و برای پایان بخشیدن به وضع موجود هموار می کند، بسج نمائیم، ما وظیفه داریم شرایط را

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

**ضریات پیشمرگان پیکار بر پیکر نیروهای سرکوبگر رژیم**

پیشمرگان را داشتند... هدف رگبار بی امان پیشمرگان قرار گرفتند و کلیه سر نشینان آن کشته و زخمی شدند. تعداد تلفات دشمن در این درگیری ۱۰ نفر کشته و بقیه بسختی مجروح شدند. بعد از حمله، پیشمرگان در حالی که سرود می خواندند به آرامی عقب نشینی نمودند و همگی سالم به پایگاه خود بازگشتند. بعد از این حمله دشمن از پایگاه های خود جاده مناطق اطراف راولوشیانه مورد حمله سلاح های سبک و سنگین خود قرارداد و با این عمل عمق وحشت خود را از نیروهای مسلح خلق نشان داد در ضمن دشمن بعلا ترس از وجود پیشمرگان در محل درگیری زخمی های خود را تا صبح روز بعد به حال خود گذاشته بود که دوتن دیگر از مزدورانش بر اثر خونریزی زیاد به هلاکت رسیدند. این مسئله نشان میدهد که این رژیم برای جان سرسپردگان خود نیز هیچ ارزشی قائل نیست.

**کامیاران**

بعد از دو روز متوالی در مسیر جاده سنندج - کامیاران یک دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان پیکار دسته شهید امیر بین دو پایگاه هلنوشان و گاوشان به باز دید ما - شینهای مسافربری می پردازند. سرانجام در تاریخ ۳۰ / ۸ / ۵۹ در ساعت ۷ بعد از ظهر یک دستگاه ماشین سیمرغ مجهز به یک تیربار کالیبر ۵۱ و تعدادی زیادی مهمات به کمین پیشمرگان افتاد و زیر رگبار شدید پیشمرگان قرار می گیرد. در اثر این حمله قهرمانانه کلیه سر نشینان آن کشته میشوند و کسی راننده آن که زخمی شده بود

موفق میشود ماشین را از کمین خارج کرده اما تلاشش بیهوده بود و ماشین در پیچ بعدی کمین به دوره سقوط می کند و پیشمرگان بعد از درگیری به یارید ماشینها و پخش اعلامیه و افشاگری می پردازند.

**مریوان**

۲۳ / ۸ / ۵۹ - بعد از ظهر این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) در جاده گاران به کمین جاشها و پاسداران نشستند سپس به سر جاده رفته و به کنترا ماشینها و افشاگری برای مسافرین پرداختند. در طی بازرسی ماشینها یک کامیون خاور که حامل پانزده بشکه قیر هزار متر گونی بود و برای ساختن سنگر و مقر پاسداران به مریوان برده میشد، مصادره گردید پس از تحقیقات لازم چون ماشین شخصی بود بار آن تخلیه شده و ماشین تحویل راننده گردید.



۱۲ / ۸ / ۵۹ - دو دسته از

پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید حسین و دسته شهید کریم) ضمن جوله در منطقه گاران در روستای "وشکین" مقداری آرد و گندم یک جاش را مصادره کرده و بین مردم آبادی تقسیم نمودند.

\* خبرهای فوق با کمی تغییر به نقل از "اخبار جنبش مقاومت سنندج" شماره ۳۳ می باشد

**مهاباد**

۲۹ / ۸ / ۵۹ در این روز پیشمرگان سازمان پیکار به کنترل جاده مهاباد میاندوآب پرداختند آنها ضمن بازرسی ماشینها به افشاگری در باره علل واقعی جنگ ایران و عراق و جنایت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در

قتل عام روستاهای کردستان پرداخته و در باره اهداف عادلانه جنبش مقاومت برای مسافرین صحبت کردند. پیشمرگان سازمان در جریان این بازرسی ها، آنفراز عوامل وابسته به رژیم را دستگیر کردند.



دفاع طلبان و...

آنطور که هست بررسی کنیم. نه مانند اپورتونیستها این خائنین به انقلاب تا اولین جرقه از تغییر شرایط پدیدار گردید خود را ببازیم و فریاد بر آوریم: ایها الناس همه با هم همه با هم حول مبارزه با امپریالیسم متحد شوید! ... نباید لحظه ای مبارزه توده ها را بر علیه هیئت حاکمه ضد انقلابی تخفیف داد بعکس تهدید انقلاب اینک از ناحیه همین هیئت حاکمه می باشد، هرگاه امپریالیسم به ایران تجاوز نماید که مامفصلا آنرا بررسی کردیم، آنگاه ما هرگز امر کسب قدرت، امر انقلاب، امر مبارزه طبقاتی و رهبری پرولتاریا را بطور عملی فراموش نخواهیم نمود" (تاکیدات با یک خط از ماستوباد و خط از رزمندگان) ولی متاسفانه اکنون "رزمندگان" از همه حرفهای فوق عدول کرده و همان موضعی را اتخاذ نموده که خود در بالا به آن می تازد: "رزمندگان" از "بالاترینها" تقاضای صلح می کنند... با تغییر شرایط، شعار همه با هم علیه امپریالیسم را سر میدهد، در حالیکه مسئله تجاوز امپریالیستی مطرح نیست (اگر مطرح بود چه میشد؟!) و امر کسب قدرت، انقلاب و مبارزه طبقاتی رابطه و عملی فراموش کرده است بقیه در صفحه ۱۰



**جوله (گشت سیاسی) پیشمرگان پیکار در روستاها**

کار سیاسی و فعالیت آگاهگرانه یکی از محورهای فعالیت نیروهای انقلابی در کردستان می باشد که در پیوند تنگاتنگ با عملیات نظامی پیش برده می شود.

شکل عمده تبلیغ سیاسی در کردستان "جوله" (گشت سیاسی) است و پیشمرگان جنبش مقاومت همیشه در کنار فعالیت های نظامی خود به "جوله" نیز می پردازند و از این نه تنها به کار آگاهگرانه و برقراری ارتباط وسیع تر با توده های پر دارند بلکه تشکلهای تودهای را نیز در مناطقی که زمینه آن وجود داشته باشد سازمان می دهند. تشکلاتی نظیر شوراهای آبادی، شورای خوشنشینان دفتر جوانان مبارز و نیروی مسلح مقاومت تودهای (هیزی بهرگری) معمولاً در حین جوله و دیگر فعالیت های سیاسی موجود می آیند. پیشمرگان نیروهای انقلابی در همین جوله ها که دهقانان را به صادره زمینها و اموال ارباب تشویب نموده و از آن پشتیبانی می کنند.

با توجه به اهمیت جوله در جنبش بردن آگاهی طبقاتی به میان زحمت کشان است که پیشمرگان سازمان پیکار در کنار فعالیت های نظامی خود فعالانه به جوله در روستاها دست می زنند و از این طریق نیز به پیستی سرد و ظایف مبارزاتی خویش می پردازند. گزارشات زیر چند نمونه از این فعالیت های پیشمرگان سازمان در کردستان جنوبی می باشد که ما با کمی تغییر از اخبار جنبش مقاومت سندیج شماره ۳۳ نقل می نمایم

۱۳/۸/۵۹ - در این روز پیش مرگان بیکار (دسته شهید مسعود) در آبا دیهای اطراف کامیاران (بلوچه سعظم آباد - مامس - برتاله و ۰۰) جوله کرده و ضمن سخنی رانی های خود ماهیند، لوسیا - ستهای ضد خلقین را افشا کردند در این دهات با وجود اینکه برادر اولین بار بودند که پیشمرگان میان این مردم می رفتند با استقبال پر شور آنها روبرو شدند روستائیان عموماً از فشارهای اقتصادی ناشی از سیاست های دولت و فشاری که پاسداران برای جمع آوری مواد غذایی از روستائیان به آنها وارد میکردند شکایت داشتند و خواهان ماندن پیشمرگان در کنسار خود بودند.

۱۶/۸/۵۹ - در این روز ضمن جوله پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) در آبادیهای اطراف کامیاران، در آباگ "در بند عزیز" خوشنشینان با مراجعه به پیشمرگان خواستار تقسیم زمین خالصه اربابی بین خود گردیدند. این زمینها بعد از فرار مالکان آن در تملک عدای از دهقانان که خود زمین داشتند قرار گرفته و بهر برداری میشد بعد از تحقیق حقایق ادعای خوشنشینان مبنی بر اینکه زمین خالصه اربابی تا بحال تقسیم نشده و توسط این عده از زارعین صاحب زمین غصب گردید موافقت گردید. بهر برداری از این اراضی حق خوشنشینان است زمین خالصه اربابی در اختیار آنها قرار گرفته و قرار شد که ۹ خانوار خوش نشین بشکل دسته جمعی زمین را کشت

نموده و مورد بهر برداری قرار دهند. پیشمرگان با بحث اقناعی با کشاورزان آنها را متوجه اشتباه خود نمود موآنان نیز با دادن زمین به خوشنشینان موافقت نمودند.

در همین آبادی مقداری درخت گردوی مالکی وجود داشت که با تقاضای مردم جهت روشن نمودن وضع آن قرار بر این شد که جمع آوری محصول و بهره برداری از این درختان هر سال بطور دسته جمعی انجام گرفته و به نسبت مساوی بین تمام آبادی تقسیم گردد و درختان خشک نیز به مصرف سوخت مسجد آبادی اختصاص داد شد.

\*\*\*

۱۶/۸/۵۹ - در این روز پیشمرگان سازمان پیکار (دسته شهید مسعود) جهت صادره اموال یکی از فئودالهای خونخوار منطقه سازمان روستای گمشکیر از دهات کلاییی منطقه سنقر شدند. بهمن خان امیری این فئودال معررف را تمام اهالی منطقه بحوبی میشناسند و از مظالم وی بخوبی آگاهند این شخص علاوه بر استعمار رحمتکشان و بردن دسرنج آنها و کسیدن بیگاری از آنها و دهها جور و ستم معمول دیگر به عدای از دختران و زنان زحمتکش و ستمدید منطقه و قیحانه تجاوز کرده بود و کسی را که جرأت می کرد به پایین اعمال ننگین اعتراض نماید و حشیا نه می کشت یا مورد ضرب و شتم قرار میداد شدت ظلم و غارتگری و رعب و وحشتی که از طرف بهمن خان امیری به این مردم روا میشده و به حدی بوده که با وجود اینکه بعد از قیامها رشد مبارزه زحمتکشان و ساقط شدن قدرت ارباب به تمام زمینها و اموال مالکین توسط زحمتکشان روستاهای دیگر



**برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق**

مصادره شده بود، آنها هنوز از اموال مالك حفاظت میکردند و جرأت مصادره آنرا نداشتند. از اموال موجود مالك در ده تعداد ۱۱۰ رأس گوسفند چهار رأس گاو و چهار گوساله بود که پیشمرگان قصد تقسیم آنرا بین اهالی آبادی‌ها - شدند ولی با توجه به اینکه هیچ يك از اهالی بخاطر احتمال حمله جاشها و پاسداران در پشتیبانی از ارباب جرأت قبول این اموال را نداشتند ناچار این اموال بنفع جنبش مصادره شده و از منطقه خارج گردید. مردم آبادی بسا وجود ترس از مالك، از پیشمرگان پشتیبانی کرده و از مصادره شدن گله مالك ابراز خوشحالی می نمودند بطور کلی مناطقی که تحت نفوذ پیشمرگان می باشد و نیروهای انقلابی در آنجا کار آگاه‌ها نمودند توده‌های کشاورزان توان ویتانسیل انقلابی خود آگاه بود و سرعت دست اربابها را از سر خود کوتاه نمود ماند. در حالیکه در مناطقی که کار آگاه‌ها کانی انجام نگرفته و از طرف دیگر خطر حمله نیروهای سرکوبگر رژیم بیشتر می باشد، کشاورزان از سوی از توان انقلابی خود شناخت لازم راندارند و از سوی دیگر از حملات انتقامجویانه نیروهای سرکوبگر رژیم در حمایت از ارباب در هراس می باشند و ما شاهد برآمد شدیدی مبارزه طبقاتی نمی باشیم. از جمله این مناطق اطراف سنقر کلیایی می باشد که روستائیان از ترس حمله نیروهای رژیم و ارباب حاضر به تصرف اموال ارباب نشدند از این رو کار آگاه‌ها در این مناطق یکی از وظایف مهم ما می باشد و تاکنون پیشمرگان سازمان در این زمینه هم در کنار وظایف نظامی خود فعال بوده اند.

دفاع طلبان و ...

"رزمندگان در گذشته بد رستی" دفاع از میهن "بورژوازی را در نقطه نظرات راه کارگر" تشخیص داد و علیه آن به مبارزه برخاست، لیکن امروز که بایستی نشان دهد که از منافع خلق‌ها و پرولتاریا دفاع می کند و نه از میهن بورژوازی به نظرات گذشته - اشریست کرده و آنها را به طاق - نسیان کوبیده است، "رزمندگان" امروزه با "صفت مستقل" از میهن بورژوازی دفاع می کند!

### وظیفه خلق کرد:

### حفظ مرزها یا ادامه انقلاب؟

اکنون نگاهی به برخورد راه کارگر بیفکنیم: راه کارگر که با شروع جنگ یکباره (یکباره؟) تمام مواضع گذشته خود را در مورد نقش و مضمون جنبش مقاومت در مبارزه ضد امپریالیستی فراموش نموده است. بر همه واقعیت گذشته و امروز، در رابطه موجود میان رژیم جمهوری اسلامی و خلق کرد چشم می پوشد و چونان کسی که خواهان پایان دادن دعوا میان دو نفری است که دعوایشان در نتیجه يك سوء تفاهم بوجود آمده است به یاد آوری اصول برادری و "حسن تفاهم" می پردازد و به رژیم درس اخلاق می دهد!

در اعلامیه مورخ ۱۳/۷/۵۹ راه کارگر کردستان تحت عنوان "شرایط حمله بعضی‌های جنایتکار به خاک میهن و اوج گیری توطئه های امپریالیسم برقراری آتش بس در کردستان و قطع سرکوب خلق کرد يك ضرورت فوری است." آمده است: "توده های کرد برای به

انجام رساندن وظیفه خود در قبال خلق‌ها و زحمتکشان ایران به عنوان پاسداران مرزهای غربی کشور یا اینچنین مانعی بصورت سر - کوب‌گریان از جانب رژیم جمهوری اسلامی مواجه گشته اند. در صورتی - طرف شدن این مانع، بی گمان این خلق قهرمان با بهره گیری از تجربه و رزم آوری فرزندان انقلابی خود خواهد توانست جنبه تازمائی بر علیه رژیم ضد خلقی بعثت گشوده و توان کم - نظیر خود، در زمینه پاسداری از مرزهای غربی میهنمان را به نمایش بگذارد.

راه کارگر در اینجا اولاً هدف مبارزه خلق کرد و وظیفه ای که این خلق (یا مبارزه آن) در قبال دیگر خلق‌های ایران دارد را تحریف کرده و وارونه جلوه می دهد: ثانیاً - با جنبش خلق کرد به گونه ای برخورد می کند که گویا سوء تفاهمی باعث جنگ میان رژیم و خلق کرد شده است. که در نتیجه میتوان با یاد آوری به اصطلاح ضرورت تفاهم آنرا - خاتمه داد و ثالثاً همچون رزمندگان "خلق کرد را عملاً دعوت به توقف مبارزه با دلانه خویش و همراهی با رژیم جمهوری اسلامی در مقابل بعثت" می کند

ما می پرسیم آیا وظیفه خلق کرد در قبال دیگر خلق‌های ایران پاسداری از مرزهای غربی کشور است (۱) - آنگونه که راه کارگر ادعا می کند. یا پیشبرد مبارزه انقلابی خود بعنوان جزئی از مبارزات دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلق‌های ایران برای نابودی سیستم سرمایه داری وابسته به نجات رساندن انقلاب ناتمام ایران؟ چرا خلق کرد اسلحه بدست گرفت و دست به مقاومت و مبارزه مسلحانه زد؟ آیا چون مرزهای غربی کشور مورد هجوم

## مه‌آباد مبارزه و مقاومت توده‌ها همچنان ادامه دارد

چند ماهی است که شهر مه‌آباد، بعد از کشتار بیش از ۳۰۰ نفر از مردم آن و ویران شدن شهر بوسیله توپ و خمپاره بدست نیروهای سرکوبگر رژیم ضد خلقی با اصطلاح فتح شد شده است. ولی آیا این کشتار و وحشیگری، خمپاره باران و به توپ بستن شهر و در نهایت تصرف آن، می‌توانست مردم دلاور مه‌آباد را از مبارزه باز دارد؟ هرگز! زحمتکشان مه‌آباد علیرغم سرکوب خونین، تیرباران و شکنجه و زندان لحظه‌ای دست از مقاومت و مبارزه نکشیده و نخواهد کشید. نمونه‌های زیر گوشه‌ای است از اعمال ضد خلقی ارتش و پاسداران و مبارزات توده‌های مردم این شهر علیه رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای ضد انقلابی رنگارنگ چون سازمان چریک‌های (اکثریت) و حزب توده بایستی بدانند که خون شهیدان جنبش مقاومت همچنان در رگ‌های زحمتکشان می‌جوشد و مبارزه آنها تا نابودی ستم ملی و طبقاتی ادامه خواهد یافت.

\*\*\*

پنج شنبه ۸/۱ پاسدارها یا ۵ نفر کشته و زخمی شدند. مردم مشغول حفر سنگرد در خانیا هستند از ترس عملیات تلافی جویانه پاسدار. مردم با تنفر نظاره‌شان می‌کنند هر کس به شکلی تنفر خود را نشان می‌دهد زنی می‌گفت کاش چشمانم کور بود هرگز این جنایتکاران رانمی‌دیدم.

جمعه ۸/۲ شب هنگام دو پاسدار کشته شدند. آیا پیشمرگان جنبش مقاومت لحظه‌ای آنها را آرام خواهند گذاشت؟

شنبه ۸/۶ پاسدارها به دکانی که مردم برای خرید روغن جلوی آن از دحام نموده بودند حمله کرده و روغن‌ها را به "خانه جوانان" می‌برند تا با نظارت خود بفروش برسانند. عده زیادی از مردم از خرید روغن صرف‌نظر نموده و حاضر به رفتن به "پاسدار خانه" نگشتند. مردم نفرت خود را به هر شکلی و در هر محلی نشان می‌دهند.

پنج شنبه ۸/۸ - امروز صبح یک میگ عراقی در آسمان ظاهر شد و آژیر خطر به صدا درآمد. مردم همه برای تماشا به کوچه و خیابان ریختند. مبارزین شهر فرصت را غنیمت شمردند و دست به افشاکاری پیرامون ماهیت ارتجاعی جنگ بین دو رژیم ضد خلق زدند.

یکشنبه ۸/۱۱ - پاسدارها بطور جمعی و مسلحانه در شهر رفت و آمد می‌کنند. به هنگام عصر نازنجکی بدخل ماشین ارتشی پرتاب شده ۴



### تنگ و نفرت پر ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع

مقاومت مسلحانه زد .

حتی کسانی که قبلاً محافظه کاری نموده در جنبش فعالانه شرکت نمودند . اینک مبارزه راتنها چاره می دانند .

شنبه ۸ / ۱۷ - دوز است که در شهر بطور مداوم صدای تیراندازی بگوش می رسد . پاسدارها در میدان آرد هر کسی را که یافتند دستگیر نمودند . بیش از صد نفر دستگیر شدند که بعد در انرفشار توده ها مجبوره آزاد کردن عده ای از آنها شدند عصر بود که با خمپاره نیز یکی از خیابا - نه های شهر را کوبیدند . دو نفر به شهادت رسیدند . باتمام این تیر - اندازیها و خمپاره انداختن روحیه مردم خوب است .

یکشنبه ۸ / ۱۸ - امروز صبح پاسداران به خانه ماموستا شیخ - عزالدین حمله نموده و اسباب محقر منزلش را به غارتبردند . مردم خشم خود را از این عمل پنهان نمی کنند تقریباً همه دکانها تعطیل است .

سه شنبه ۸ / ۲۰ - عده ای از مبارزین شهر را امروز تیرباران نمودند . همه ناراحت هستند . در مراسم عزاداری مردم به تمام رژیم ضد خلقی از بالا تا پائین دشنام می دهند . اما چند توده ای همچون عجزه های پیر لجر پراکنی می کنند و گناه را بر گردن پیشمرگان می اندازند . افشای قاطعانه این مزدوران ، آنان را فراری میدهد . دکانها و بازار همچنان تعطیل است .

پنجشنبه ۸ / ۲۲ - پاسداری که در نزدیکی دخانیات مشغول شعار

نویسی بود مورد حمله واقع شد و مجروح گردید

یکشنبه ۸ / ۲۵ - عده ای جاش و پاسدار امروز کوچه های مختلف خیابان وفایی را خانه گردی کردند . چند نفر را دستگیر کردند . پاسداران همچنان در خیابانها به گشت می پردازند و افراد با اصطلاح مشکوک را توقیف می کنند . یکی از توده ایها نیز امروز بوسیله " برادران " پاسدار خود دستگیر شد .

جمعه ۸ / ۲۰ - چند روز است که مرتب صدای تیراندازی میاید . پاسداران دست به خانه گردی و آزار و اذیت مردم زده و تهدید نموده اند از این پس در جواب هر گلوله یک خمپاره بداخل شهر خواهند انداخت . توگویی عنق مردم برای مقابله با سرکوبگران بوسیله خمپاره و توپ در هم خواهد شکست ! مردمی که هر روز زندگیشان به مبارزه بر علیه رژیم ضد خلقی می گذرد ، در برابر توپ و خمپاره و تیرباران و زندان لحظه ای آرام نخواهند نشست .

۹ / ۷ - مردم شهر اوایل صبح برای خرید ما بحتاج روزمره و ایستادن در صفهای مختلف به خیابانها میروند . حدود ساعت ۱۰ یا ۱۱ دکان های شهر اکثر تعطیل می شود و همه مردم خیابانها را ترک نمودند . به کوچه های مختلف شهر پناه می برند . شهر از خیابانها بیگانه گویچه ها منتقل شده است . چه اینکه جاش و پاسدارها همراهی ارتش هر کس را که در خیابا -

بانها بیابند دستگیر نموده و به پادگان می برند . در کوچه ها غوغائی دیگر برپاست . جوانان انقلابی شهر با نصب درشت نویسی و پخش اعلامیه و خبرنامه در آگاهی توده ها می کوشند . مردم اینجا و آنجا بدور هم جمع شده و بحث میکنند گاهی یکی از هواداران سازمان چریکها (اکثریت) و یا شاید هم " توده ای " را می توان دید که یاد حال تبلیغات ضد انقلابی علیه جنبش خلق می باشد و یاد در حال جاسوسی برای " برادران " پاسدارشان . اما مبارزه در شهر ادامه دارد . چشمه های آگاهی از این سوی و آن سوی کوچه های شهری جوشد ، بهم می پیوند و رود آگاهی و مبارزه همچنان به پیش می رود

جاشها . . .  
و فراموشی آنها را بیش از بیسیس به توده ها نشان میدهد .  
آری امروز جاشهای مکتبی و جاشهای غیر مکتبی به جان یکدیگر افتاد ماند ، و یکدیگر را پاره پاره میکنند . همچنانکه استخدام کنندگان آنها بهشتی ها و بنی صدرها به جان هم افتاد ماند . حکایت آنها حکایت سگهای قطبی است که برای سهم بیشتری جان یکدیگر می افتند و یکدیگر را پاره پاره می کنند . اما بگذر از آنها به جان یکدیگر بیفتند ، خلق کرد مدتهاست آنها را طرد نمود هاست ، نفرت مادرانی که فرزندان شان شهید شده اند ، و گلوله های آتشین پیشمرگان انقلابی نثارشان باد تودها و نیروها حانقلابی به مبارزه خود برای نابودی کامل دشمنان خویش بیش از هر زمان دیگر ادامه خواهند داد بگذار دشمن از وحشت مبارزه توده ها بر خود بلسرزود توده ها به حرکت درآمد ماند !

### حملات گسترده پیشمرگان کومله به مزدوران رزگاری

در عقبه‌های آخر آبان ما پیشمرگان قهرمان کومله طی یکسری عملیات منظم، سپاه مزدور رزگاری را از بخشی از منطقه "ژاور" (هورامان) یا اورامان تا بیرون راند منطقه را وجود آن‌ها پاک ساختند در جریان این عملیات تعدادی از مزدوران رزگاری خلع سلاح شده و دوتر از مسئولان آن بناهای "شیخ شهاب" و "شیخ رضوان" دستگیر شدند. این مزدوران در حضور مردم رابطه خود با رژیم بعث اعتراف کردند.

آخرین عملیات پیشمرگان کومله علیه مزدوران رزگاری در تاریخ ۲۸/۸/۵۹، ۳/۹/۵۹ انجام گرفت که در جریان آن پایگاه اصلی آنها در روستای "ده تسخیرشده" و عددی زیادی از این مزدوران به هلاکت رسیدند. در این عملیات انقلابی فرمانده نظامی نیروهای پیشمرگه کومله در سنندج رفیق علی گلچینی بانام سازمانی "سلاح رمی" و همزمانی کاک صالح بوریمری بشهادت رسیدند و خون خود را وثیقه پیروزی خلق کرد و همه طقه‌های ایران ساختند. مادر ایدبا یاد پیشمرگان شهید رفقا علی گلچینی، صالح بوریمری و علی

قمری را که در مبارزه برای پاک کردن کردستان از لوت وجود مزدوران وابسته به بعث بشهادت رسیدند گرامی می‌داریم

ماضی پشتیبانی از اقدامات انقلابی رفقای کومله در خلع سلاح رزگان و مزدوران رزگاری معتقدیم عملیات، سازمان یافته کومله بر علیه سپاه رزگاری که با پشتیبانی مردم منطقه موجه نشاندند ضد بعثت و دشمنی خلق کرد و نیروهای انقلابی آن با عوامل مزدور و نیروهای وابسته است. بعلاوه این اقدامات نشان می‌دهد که خلی کرد به هیچوجه وجود مزدوران وابستگان به بعثت را اصولاً هر نیرویی که بخواهد در این جهت قدم بردارد، جنبش مقاومت رایج وجه المصالحات مانع ضد انقلابی خود تبدیل کند، تحمل نمی‌کند و قاضان آنها را طرد و نابود می‌سازد جنبش مقاومت خلق کرد مبارزهای عادلانه بوده و با هر گونه وابستگی مبارزه خواهد کرد خلق کرد و نیروهای انقلابی آن پیروز مبارزه عادلانه خود را با تکیه بر نیروی خویش و نیروی لایزان همه خلقهای ایران امکان پذیر می‌دانند.

زهای میهن سرمایه داران یا مرزهای میهن زحمتکشان؟ اگر پاسداری از مرزهای کشور وظیفه خلق کرد است پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع، وگذا انقلاب) و ارتش پاسداران (و در واقع اردوگاه ضد انقلاب) را از یکدیگر جداسازی کند؟ راه کارگر عم دفاع از مرزها

میهن بورژوازی را میخورد یا عم دفاع از زحمتکشان را؟ نمی‌توان خود را مدافع منافع طبقه کارگر خواند و آنوقت اینگونه به دفاع از منافع بورژوازی برخاست.

راه کارگر دیروزی گفت "دولت جمهوری اسلامی ایران یک هدف مشترک با قدرتمندهای امپریالیستی دارد. حفظ نظام سرمایه داری وابسته ایران و این هدف اساسی سیاست و عملکردهای آن دو در میهن ماست." و می‌افزود: "جنبش مقاومت خلق کرد یک جنبش ضد امپریالیستی است زیرا مبارزه خلق کرد بر علیه ستم ملی، مبارزه‌ای است بر علیه نظام وابسته به امپریالیسم و از این رو مبارزه خلق کرد، تداوم انقلاب ضد امپریالیستی خلق ایران است." (کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی - راه کارگر شماره ۳۱ - تاکینات از ماست) و امروز معلوم نیست

چه معجزه‌های انجام گرفته است که یکباره "هدف مشترک" و "اساس سیاست" رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم صد و هشتاد درجه در مقابل هم قرار گرفت و امپریالیسم سر از مرزها در آورد ماست.

"را مکارگر در همان مقاله کردستان در مقاومت ضد امپریالیستی" می‌گوید: "خلق کرد برای مبارزه با امپریا -

لیسم نمه مهرهای امپریالیسم و نمه دولت اتکا نکرد مو با آن مبارزه می‌کند. همین وضع است در مورد دولت ضد خلقی عراق. دولت عراق همپا دولت ایرا نا اختلافاتی دارد و برای تحکیم قدرت خود و جلوگیری از رشد مبارزات توده‌های خود علیه دولت ایرا توطئه می‌کند.

تجاوزات فاشیستی عراق به خلقهای ایران و بمباران مردم عراق توسط رژیم جمهوری اسلامی را محکوم می‌کنیم!

دفاع طلبان . . .  
آیا توده های ایران با یدیه دلیل دشمنی یک دولت ضد خلقی یا دولت ایران از مبارزات برحق خود دست بکشند؟ نه . . . (تاکیدات از ماست)  
ولی اکنون قضیه کاملاً بر عکس شده است، دیگر زمان عدم اتکاء به این یا آن دولت گذشته و درد دشمنی میاد و رژیم ایران و

هیچگاه و در هیچ شرایطی حاضر نیست از سرکوب خلق کرد (و همه خلیقه های ایران) و در کوشش برای کردن هرگونه صدای حق طلبانه تهاجمی است. ما مستبدر داریم، مگر اینکه در نظر قدرت جنبش مجبور به بعضی عقب نشینی ها شد باشد . زیرا رژیم دشمن طبقاتی خود را خوب می شناسد و میدانند که میتوانند با عراق و آمریکا کنار بیایند، ولی با توده های

کردستان در این شرایط، دلیل دیگری است بر ماهیت ارتجاعی رژیم، به دادن رهنمود به رژیم و پند و اندرز به آن می پردازد .  
گرایش رویزیونیستی "راهکارگر" چنان قوی است و جنگ آنچنان به آن دامن زده است که بر راحتی موضع دیروز خود راکه میگفت "خلق کرد میداند که دولت را باید وادار بد عقب نشینی و سپس مذاکره کرد" ("راهکارگر" شماره ۳۲ مقاله پرچم خونین . . ." تاکید از ماست) فراموش می کند و زبان نصیحت به رژیم را بکار میگیرد .

"راه کارگر" از پاسداری از مرزها صحبت میکند، اگر پاسداری از مرزهای کشور وظیفه خلق کرد است، پس چه چیز مرز میان پیشمرگان انقلابی (و در واقع اردوگاه انقلاب) و ارتش و پاسداران (و در واقع اردوگاه ضد-انقلاب) را از یکدیگر جدا میکند؟ "راه کارگر" غم دفاع از مرزهای میهن بورژوازی را میخورد یا غم دفاع از زحمتکشانش را؟

### اول آتش بس

#### بعد صلح پایدار

و سپس . . .

اما متأسفانه مسئله باز هم به اینجا خاتمه نمی پذیرد "راهکارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات رویزیونیستی گذشته اش و به دلیل نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیستها، مبارزه طبقاتی را به فراموشی می سپرد و به تبلیغ ایده رویزیونیستی صلح پایدار تحت حاکمیت بورژوازی دست می زند؛ "در این شرایط اوج گیری توطئه های امپریالیسم بر علیه زحمتکشانش ایران، برقراری آتش بس در کرد -

انقلابی نه . اما "راهکارگر" کاری به واقعیات ندارد، چرا که مسئله "راهکارگر" دفاع از میهن است و پاسداری واقعیات را قربانی تمایلات انحرافی خود نمود . پس باید به رژیم درس اخلاق داد: قطع سرکوب خلق کرد یک ضرورت فوری است، مانع! (منظور کشتار و سرکوب وحشیانه و مداوم خلق کرد توسط ارتش ضد خلقی و پاسداران ارتجاع است) راه از سر راه خلق کرد بردارید تا در صفوف مقدم مبارزه علیه متجاوزین بعضی قرارگیرید (همان اعلامیه)، لازم است نیروهای نظامی رژیم از این منطقه خارج شوند و به جبهه های جنگ ایران و عراق بروند" (نقل - بمعنی از سخنی با کومهله)

عراق باید دیگر، خلق کرد با یدستی از مبارزات برحق خود دست بکشد و به دفاع از مرزهای میهن بکشد شود . اکنون بخشی از توان نظامی خلق کرد را با یدستی برای مقابله با تجاوز رژیم عراق اختصاص داد" (جزوه سخنی با کومهله - راه کارگر کردستان) اگر تا دیروز میان رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم هدم مشترک وجود داشت و اساسی ستاند و یکی بود امروز خلق کرد و رژیم جمهوری اسلامی اندک "هد ف - مشترک" پیدا کردند و اساسی سیاستشان یکی شده است!

### راه کارگر

#### به رژیم درس اخلاق میدهد

اما هنوز مسئله تمام نیست راه کارگر چنان مسئله آتش بس را مطرح می کند که گویا سوء تفاهمی خلق کرد را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی قرار داده است . رژیم جمهوری اسلامی طی نزدیک به دو سال عمر خویش در مراحل مختلف و از جمله در همین بحبوحه جنگ با عراق نشان داد ماست که

"راه کارگر" بجای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی - می جت در شرایط جنگ ایران و عراق، به دادن رهنمود و پند و اندرز به آن می پردازد .

به این ترتیب "راهکارگر" به جای افشای سرکوب و کشتار خلق کرد توسط رژیم جمهوری اسلامی و نشان دادن این امر که ادامه این سرکوب حتی در شرایط جنگ ایران و عراق و تمرکز بخش عظیمی از نیروهای ارتشی و پاسدار در

ستان و آغاز مذاکره به جهت یافتن راه حلی که تضمین کننده صلح پایدار در این قسمت از خاک میهن ما باشد، بیش از هر هنگام دیگری ضرورت خود را نشان میدهد" (اعلامیه ۱۳/۷/۵۹ راه کارگر)

دفاع طلبان ۰۰۰ کارگر کردستان - تاکید ازماست) ابتدا از رژیم تقاضای آتش بس کردن بیه آن پندواندرز دادن ، سپس از لزوم برقراری صلح پایدار دم زدن و آنگاه ۱۰۰۰۰! و همه اینها تحت پوشش به اصطلاح

ایران علیه ارتجاع و امپریالیسم را زیر پایگذارند . "راهکارگر" بر پلی شکسته قدم گذاشت است!

### نتیجه مخوم دفاع طلبی چیست ؟

"راه کارگر" در ادامه و تعمیق انحرافات روزیونیستی گذشته اش و به دلیل نزدیکی فراوان مواضع امروزش به سوسیال شونیتها ، مبارزه طبقاتی را به فراموشی می سپرد و به تبلیغ ایده روزیونیستی "صلح پایدار" تحت حاکمیت بورژوازی دست میزد .

مقابله با خطر امپریالیسم و تجاوز عراق و حفظ منافع زحمتکشان ! اینست راهی که به ترکستان روزیونیسم می انجامد . آیا سازمان چریکها (اکثریت) نیز همین مسیر را در تبلیغات و موضعگیری های خود راجع به کردستان و جنبش مقاومت طی نکرد ؟

وقتی موارد فوق را در کنار نکات بسیاری\* از جمله این قرار دهیم که دیگر در نوشته های "راهکارگر" صحبتی از "ضد خلقی" و آمریکایی بودن ارتش نیست و از ارتش شاهنشاهی دست پرورده مستشاران آمریکایی ، اسرائیلی و انگلیسی\* و آرگان اجرائی امپریالیسم\* فقط تحت عنوان ارتش جمهوری اسلامی نام برده میشود ، شتاب تاسف بارو حرکت قهقرایی "راهکارگر" بسوی ورطه روزیونیسم بهتر مشخص میشود . در واقع "راه کارگر" به تبع موضعی که نسبت به جنگ اتخاذ کرده است ، در پهنه نظری و عملی مجبور است بیش از پیش اصول انقلابی در برخورد به جنبش مقاومت خلق کرد بعنوان جزئی از جنبش انقلابی خلقی

با توضیحات فوق مشخص می شود که "راهکارگر" و "وزمندگان" بعنوان نمایندگان اصلا نیروهای "دفاع طلبی"\* چه مواضع عقیقا انحرافی ای در حال حاضر نسبت به جنبش مقاومت و اوضاع کردستان اتخاذ کرده اند . اما روشن است که این مواضع جدا از درک انحرافی آنها از ماهیت هیئت حاکمه و جدا از موضع آنها

نسبت به جنگ ایران و عراق نیست ، بلکه در واقع نتیجه بلافصل آنست زمانیکه ماهیت جنگ میان ایران و عراق عادلانه قلمداد شده ، جنگ از جانب عراق بعنوان "هجوم امپریالیستی" معرفی گردیده و لزوم شرکت در این جنگ مطرح میشود طبیعی است که از رژیم جمهوری اسلامی تقاضای آتش بس شود و بجای ادامه مبارزه علیه رژیم لزوم قطع آرو برقراری صلح مطرح گردد . کسانی که توده ها را به شرکت در جنگ درخوزستان فرامیخوانند ، نمی توانند در کردستان خواهان

ادامه مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل سرکوب رژیم و گسترش مبارزه علیه آن باشند . موضع "دفاع طلبی" ناگزیر است خواهان گشودن "جبهه سوم" (وزمندگان) "جبهه تازه" (راهکارگر) در کردستان بر اساس "حسن نیت" رژیم و نیروهای سرکوبگر آن باشد . حال اگر رژیم توجهی به درخواستهای عاجزانه "دفاع طلبان" مانکند (کنمی کند) و به سرکوب خلق کرد ادامه دهد (که وحشیانه تر ادامه میدهد و آینه درقاش" و صوفیان و "رامی آفرینند) و جبهه تازه علیه رژیم عراق در کردستان نگشاید (کنمی گشاید) زیرا برای اوستلهاصلی سرکوب و نابودی جنبش مقاومت است (معلوم نیست "دفاع طلبان" ما چه برنامه ای برای خلق کرد و جنبش مقاومت تجویز می کنند . مختصر اینکه در صورت عدم برآورده شدن درخواستهای "دفاع طلبان" آنها چه خواهند کرد ؟ آیا جز کنار کشیدن از

کسانی که توده ها را به شرکت در جنگ درخوزستان فرامیخوانند ، نمی توانند در کردستان خواهان ادامه مبارزه و مقاومت مسلحانه خلق کرد در مقابل سرکوب رژیم و گسترش مبارزه علیه آن باشند .

جنبش مقاومت راه دیگری باقی می ماند ؟ طبق موضع آنها نسبت به جنگ ایران و عراق و مسائلی که در سطور فوق بدان اشاره کردیم ، بی تردید تجویز آنها آتش بسی یک جانبه از طرف نیروهای سیاسی فعال در کردستان و عبارت دیگر انجام همات حرکتی باید باشد که سازمان چریکها (اکثریت) مطرح ساخت و عملی نمود . "دفاع طلبان" اگر بخواهند به موضع خود در رابطه با جنگ ایران و عراق وفادار باشند ، نمی توانند درخوزستان علیه عراق بجنگند و در کردستان علیه رژیم جمهوری اسلامی . به دیگر

بقیه در صفحه ۱۹

توطئه های امپریالیسم امریکا و جنگ ارتجاعی کنونی را محکوم می کنیم!

## جاشه‌ب‌به جان هم افتاده‌اند

اخیراً روزنامه جمهور اسلامي بتاريخ ۲۶ آبان اعلامي از سا- زمان باصطلاح "پيشمرگان مسلمان کرد" (!!) چاپ کرده است. عنوان اين اعلاميه اين است: "يك جريان انحرافي وتوطئه‌گر که در سا زمان پيشمرگان کرد رخنه کرد و بودند شناسائي و اسرار آن دستگير شدند" و در آن تروريسم و خفقان در هرباسي را "محکوم کرده است".

بدنيال انتشار اين اعلاميه ، اين بار نامهاي تحت عنوان "نامه گروه‌هاي مختلف کردستان به امام خميني" در روزنامه "انقلاب اسلامي" بتاريخ ۱۲ آذرماه چاپ شده است که در آن از اينکه مفتي زاده مورد آزار و اذيت قرار گرفته و اناث و اسيل منزلش تفتيش و محافظانش را دستگير کرده‌اند ، شکايت شده است.

انتشار اين دو نوشته در دوروز نامه مختلف ، که هر کدام وابسته به يك جناح از هيئت حاکمه‌اند ، نشاندهنده او گيري اختلافات ميان جاشه‌ب‌به موازات بالا کرفتي اختلاف ميان دو جناح هيئت حاکمه است. "جاشه‌ب‌به جان يکديگر افتاده‌اند و همدیگر را پارماره ميکنند" اما حقيقت چيست؟

مطابق اخبار رسیده ، در تاريخ ۱۳ آبان ، ميان جاشسي که طرفدار "مفتي زاده" است و یکی از افراد سپاه پاسداران درگيري لفظي پيش ميآيد. اين درگيري لفظي ادامه یافته و جاش مذکور به تيراندازي مي پردازد ، در جريل اين زد و خورد یکی از اهالي محل که افراد زحمتکش و نجاري بنام طهمورث حجت جلالی بوده ، مجروح گشته و بعد از دوروز در بیمارستان به شهادت ميرسد . در اين جريان

عد مای از جاشه‌ب‌به دستگير ضارب متواري ميشود . بعد از ظهر همانروز در آن محل جمعي با شرکت خانواد ه‌هاي جاشه‌ب‌به ه‌وايد دار مفتي زاده انجام ميشود ، اين تجمع مورد حمله سپاه پاسداران فرار گرفته و پراکنده ميشود . خانواده هاي جاشه‌ب‌به هر یکی به سمتي فرار ميکنند ، آنها ضمن فرار به ه‌واداري مفتي زاده به "خميني" دشنام ميدهند .

عصر همانروز استاندار اطلاعيه اي ميدهد که در آن گفته شده است که "یکی از پيشمرگان مسلمان کرد شخصي ببنکناهي بنام حجت جلالی را مجروح کرده است و مورين انتظار مي که ميخواستند ويرا دستگير کنند ، "بعلت اينکه موقع نامناسبي را انتخاب کرده‌اند ، منجر به درگيري شده و عد مای زخمی شده‌اند" (!!) بدنيال اين جريان جاشه‌ب‌به "بزرگ" ( به بزرگي خيانتشان ! ) چون عبدالرحيم احمدی ( مستون جاش هاي سنندج ) اقبال بيگي ، ساطر احمد و ۰۰۰ بوسيله سپاه پاسداران دستگير ميشوند ، بعدا "مفتي زاده" را هم به اتهام "تروريست" بودن ، دستگير و خانواد ه‌ها را تحت کنترل ميگيرند . جريان فوق الذکر که نشان از اختلاف و شکاف دارد که ميان دو دسته از جاشه‌ب‌به اتفاق افتاده است . اما اين اختلاف و منشا آن کدام است؟

از مدت‌ها پيش ميان جاشه‌ب‌به ه‌وادار مفتي زاده که متماين به بني صدر هستند و تلاش ميکنند که "مفتي زاده" را بعنوان رهبر مذهبي سياسي کردستان جابزنند ، با جاشه‌ب‌به که منافع خود را در نوکري جناح حزب جمهوري اسلامي مي بينند ، اختلاف و درگيري بالا گرفته است اين اختلافات و درگيريها بارها به اشکال مختلف خود را بروز

داد ما ست . اين اختلاف که خود انعکاسي از اختلافات ميان جناح ليبرالها ( بني صدر ) و حزب جمهوري اسلامي در هيئت حاکمه است . امروز حتي به مشکل درگيري و دست گيري ه‌واداران مفتي زاده منذور بترتبيي که جاشه‌ب‌به وابسته به حزب جمهوري اسلامي مفتي زاده را تروريست خطاب کرده‌اند .

بدون شك اختلاف ميان جاشه‌ب‌به ، موجب خوشحالي توده هاي خلق کرده است چه هردو باند جاشه‌ب‌به ، موکران رژيم و سرما يه و مزدوراني هستند که بازا "ميلغي" ناچيز ، را مخيان تبه خلق کرد را برگزیده‌اند ( هر جاش = ۳۰۰۰ تومان ! ) کينه توري و دشمني ديواند جاشه‌ب‌به پيش از آنکه بين خودشان باشد ، با توده ه‌ها و نيروهاي انقلابي است . هردو آنها در اعلاميه و نامه ه‌ايشان که در روزنامه ه‌ها وابسته به رژيم چاپ شده‌اند ، اين حرکت را بفع "ضد انقلاب" ( بخوان : انقلاب ) خوانده‌اند و مهم تر اينکه سازمان باصطلاح " پيشمرگان مسلح کرد" نوشته است "تروريسم و خفقان در هرباسي محکوم است" (!!)

آنها چه کسی را مي خواهند بفريند؟ مادران سنندجی را که فرزندان شان بوسيله همين "خوکها" به جرم "ضد انقلاب" به زندانها افکنده ميشوند خانواد ه‌ها همسائي که خون پاک فرزندان شان که با افتخار و بنام پيشمرگه ، بدست همين جنائتکاران بزمين ريخته شده است و يا مردم حاجي آباد " گردی گرو" و ۰۰۰ سنندج و "حما آباڭ" سقر و مردم مريوان را که به بهانه ه‌لي مختلف مورد اذيت و آزار قرار داده اند را . براستي که آنها بسيار احقند و حماقت آنها نيز با پو و "جاشسي يعنی" قابل علاج نيست حماقت آنها طبقاتي بوده و يستی



## حزب دمکرات در دفاع از مالکان

اخیراً حزب دمکرات در روستای عزیزکند دستبسته خلع سلاح پیش مرگان را مکارگر زد. بعد از این اقدام حزب دمکرات در اطلاعیه ای بتاريخ ۲۲/۸/۵۹ به امضای تشکیلات مهاباد خود، اخطار کرده که ... بعد از این اقدامات جزائی کلیه سازمانها و گروهها و افراد متفرقه ... جلوگیری خواهد کرد.

عمل حزب دمکرات و اطلاعیه‌ای که بدنبا آن صادر کرده است بیانگر این واقعیت است که حزب از مباحث رزم طبقاتی و آگاهی توده‌ها و حرکت آنها در جهت کسب منافع طبقاتی خود بگوشت و هراس افتاده است. حزب دمکرات در روستای عزیزکند به این بهانه دست به خلع سلاح پیشمرگان را کارگزار ماست که آنها در مصادره زمینهای اربابان به توده‌های روستای مذکور، کمک کرده‌اند. اطلاعیه بعدی و تهدید و خط و نشان کشیدنهای حزب نیز در توجیه و بیان این سیاست ضدیت با توده‌هاست حقیقت این است که حزب دمکرات که "رسالت" دفاع از منافع بورژوازی و زمینداران کرد را برای خود قائل است، نمی‌تواند شاهد اوج گیری مبارزه طبقاتی در کردستان و رشد و نفوذ نیروهای انقلابی باشد، چه نیک میدانند اوج گیری مبارزه طبقاتی، موجودیت خود حزب را به خطر می‌افکند و توهم توده‌ها را نسبت به این حزب، که امروز تحت پوشش مسئله ملی و مبارزه برای خود مختاری ماهیت حقیقی خویش را

پنهان کرده‌است، خواهد ریخت. از طرف دیگر اوضاع سیاسی کنونی به حزب امکان میدهد که تمایل خود را نسبت به اعمال حاکمیت بلا منازع و قدرتی در کردستان پنهان نکند و در اطلاعیه می‌نویسد: "هیچ اقدامی جز با اجازه یا مشورت حزب دمکرات کردستان ایران - مشروعیت اجرائی (؟) نخواهد داشت. مسئولیت اقدامات جنجال انگیز و مخالفت با مفاد این اعلامیه بعهده فرد یا سازمان عمل کننده خواهد بود" به این ترتیب حزب دمکرات سیاست خود را در قبال توده‌ها و نیروهای انقلابی به صراحت میگوید: توده‌ها حق ندارند به مبارزه طبقاتی بپردازند (؟) و در جهت کسب منافع طبقاتی خود دست به مصادره اموال مالکان و زمیندارانی بزنند که سالهای سال خون آنها را در شیشه ریخته‌اند. واقعیت این است که بررسی عملکردها و سیاست حزب در طول جنبش مقاومت نشان میدهد که این اولین و آخرین حرکت حزب نبوده بلکه نمونه‌ای از سلسله زورگوئیها و اجحافاتسی است که بر توده‌های خلق گرد و بویژه بر زحمتکشان روانمیدارد. سیستم مالیات گیری حزب که با آزار و اذیت توده‌های فقیر روستاها اعمال میشود، و آنها را وامیدار تا به ازاء هر خرید و فروش به حزب مالیات و باج بپردازند، امری در بسیاری از نقاط کردستان کهنه حزب حضور دارد، بصورت يك امر عادی درآمد ماست (در منطقہ اشنویه و سردشت بویژه با عباد این زورگوئیها بسیار شدید است) لیکن حزب با این اعمال خود، تیشه به ریشه خود میزند. چه توده‌های

انقلابی به هیچ وجه حاضر نیستند قدمی به عقب گذاشته و از منافع طبقاتی خود دست بردارند. مبارزه خلق کرد فقط مبارزه ملی نیست بلکه همچنین مبارزه‌ای است در جهت نابودی سیستم طبقاتی، نیروهای انقلابی و کمونیستها وظیفه دارند که مبارزه ملی بدهند. این وظیفه همیشگی کمونیستها بوده و هیچ نیروئی قادر نیست آنها را در اجرای این وظایف مانع شود. حزب دمکرات نیز بیهوده میکوشد که با تهدید خلع سلاح و سیاست تهدید و ارباب، نیروهای انقلابی و کمونیست را از این مهم بازدارد.

حزب در گوشه دیگری از اطلاعیه فوق می‌نویسد: "سازمانها و گروه‌های سیاسی در انجام فعالیت‌های سیاسی خود کاملاً آزادند (؟) و حزب دمکرات کردستان از تمام آزادیهای دمکراتیک دفاع خواهد نمود. اما مصادره اموال و دارائیهای مردم ... از قدرت و صلاحیت سازمانها و گروهها خارج بوده و حزب دمکرات کردستان ایران این اعمال را در حد مخالفت و ایجاب تفرقه و آشوب در صفوف خلق به حساب می‌آورد."

مضحک است اینطور نیست؟ حزب دمکرات از یکطرف خود را مدافع آزادیهای دمکراتیک می‌خواند از طرف دیگر کمونیستها را تهدید می‌کند، که حق ندارند، به توده‌ها در احقاق حقوقشان یاری رسانند. این دمکرات مابسی حزب دمکرات قبل از اینکه نشانی از دمکراسی داشته باشد، بیانگر عوامفریبی آن است. رژیم جمهوری اسلامی نیز

## مبارزه ملی از مبارزه طبقاتی جدا نیست

همین حرف راه انقلاب بیرون و کمونیستها میزند: آزادی بشرطی که تنها آن عملی را انجام دهید که میگوییم؛ واقعیت اینست که در کردستان بعد از نزدیک به دو سال که از جنبش مقاومت میگذرد، مبارزه طبقاتی نیوی به موازات مبارزه علیه رژیم به پیش میروند. هر چه مبارزه وسیع تر شود عمق بیشتری بیاید، حزب به ناگزیر، به مقابله بیشتری در برابر توده ها کشیده خواهد شد. نتیجه عملی آن نیز از هم اکنون روشن است: ارتقاء سطح آگاهی و مبارزاتی توده ها، رشد نیروهای انقلابی و انفرادی حزب دمکرات. تصور این نتیجه برای حزب، وی را باین فکر انداخته است که از سرنوشت محتوم خود جلو گیرد. اما آیا ادعای "حزب فراگیر" بودن می تواند ناجی حزب باشد؟ سازمان ما بعنوان بخشی از نیروهای فعال در جنبش مقاومت خلق کرد، وظیفه انقلابی خود میدانند که عمل خلع سلاح بیس مرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات را محکوم کرده و معتقد است که وظیفه کلیه نیروهای انقلابی است که با افشاء ماهیت و عملکرد های حزب دمکرات، و مقاومت در برابر تهدیدات آن از منافع خود ستان و انقلاب دفاع کرد، دستاورد های جنبش مقاومت خلق کرد را ارتقاء دهند.

\* لازم به توضیح است که محکوم کردن خلع سلاح پیشمرگان "راه کارگر" توسط حزب دمکرات نمی تواند به معنی دفاع از نظرات "راه کارگر" و آن سیاستی باشد که "راه کارگر" به جنبش مقاومت ارائه میدهد و در آنجا می جز آشتی طبقاتی و اجتناب از مبارزه نیست. در همین شماره پیکار کردستان در مقاله "دفاع طلبان و جنبش مقاومت" ما با نظرات این رفقا برخورد کردیم.

سرمقاله . . .

لحاظ نه تنها نمیتواند منافی متضاد با منافع خلقها و توده های ستمدیده ایران داشته باشد، بلکه اساسا خود مبلغ دوستی و مبشر برادری خلقهای ایران است. بدیهی است که انجام چنین رسالتی نمیتواند بصورت موعظه های اخلاقی و یا استغاثه های مظلومانه باشد، بلکه سیاست مقاومت مسلحانه در برابر این حملات، افشاگری رژیم و تبلیغ برادری خلقها تنها و یگانه شیوه انقلابی است که میتواند به خد متگرفته شود.

در برابر این سیاست انقلابی، سیاست فرصت طلبانه حزب دمکرات قرار میگیرد. حزب دمکرات در برابر این قتل عامها چه میکند؟ او در روستاها به تبلیغ و تهییج خلق کرد بر علیه "ترکها" می پردازد، او توده های کرد را به انتقام جوئی دعوت میکند و خود دست به عمل متقابل میزند. حملات "حزبیه" شهرهای ارومیه، میاندوآب، نقسه و روستاهای ترک نشین، نشاندهنده ناسیونالیسم افراطی و تنگ نظری است که نواز موضع دفاع از خلقها بلکه از موضع دفاع از منافع بورژوازی دست به عمل متقابل میزند. هنگامی که حزب دمکرات علیرغم مخالفت اهالی روستای کرد نشین "رسول آباد" دست به حمله به روستای ترک نشین کرد مرش میزند، و در نتیجه حمله ۴ نفر از جمله یک زن بشهادت میرسد و ۵ کودک خردسال زخمی میشوند، میبایست در برابر خلق کرد پاسخگو باشد که چرا خون زحمتکشان ترک را بر زمین میریزد و همچنین باعث تفرقه میان خلقها شده و در نتیجه موجب تقویت ارتجاع میگردد.

حزب دمکرات بیهوده میکوشد خود را تحت پوشش شعار عوام فریبانه "خود مختاری برای کردستان، دمکراتی برای ایران" بپوشاند. کجای این

اعمال حزب دمکرات میتواند نشانی از "دموکراسی برای خلقهای ایران" داشته باشد؟ مقصود اساسی حزب دمکرات، از چنین حرکاتی تنها برانگیختن و استفاده از احساسات توده های کـ... در جهت کسب اعتبار و ایجاد توهم نسبت به خود در ذهن توده های عقبمانده خلق کرد است. حزب دمکرات نه فقط به این وسیله مبلغ دشمنی خلقها و پراکنندگی صفوف مبارزاتی آنان میگردد بلکه مرز عادلانه نبودن جنبش مقاومت را در آن ها ن توده ها مخدوش میسازد و به بلند گویای رژیم امکان میدهد که باران توهین و سیل افترا را بر علیه اهداف جنبش مقاومت جاری سازند روشن است که این حرکت حزب دمکرات مورد تایید توده ها و نیروهای انقلابی جنبش مقاومت نبود و محکوم است. اگر چه این سیاست سرکوب و قتل عام رژیم جمهوری اسلامی است که زمینه ساز حرکات و اعمال حزب دمکرات میباشد که بهیچ وجه در جهت منافع خلق کرد نبوده و بلکه بر علیه آن بکار می رود. کشتارهای اخیر که بوسیله عوامل رژیم در منطقه صورت میگیرد، مورد تنفر و انزجار توده ها بود و از طرف زحمتکشان ترک با حرکات اعتراضی مورد مخالفت قرار میگیرد. در هفته های گذشته تجمع مردم میاندوآب در برابر کمیته های شهرو ابراز مخالفت و اعتراض به سرکوب خلق کرد و تهاجم به روستاها و همچنین مخالفت بخشی از مردم ارومیه با اعمال "ملاحسنی"، خود حکایت از عدم توافق توده ها و اعتراض آنها نسبت به این جنایت است.

اخیرا نمایندگان شوراهای روستا های ترک نشین منطقه سلدوز دست به اقدامی انقلابی زدند، آنها به روستا های کرد نشین رفته و از زحمتکشان کرد خواستند که از هر دو طرف مانع حمله به روستاها و قتل عام سوزانند

خانه و کاشانه زحمتکشان گـردند مردم روستای رسول آباد نیز بهنگام حمله حزب دمکرات به گرد مرزی با این حرکت مخالفت کرد، و چون حزب نسبت به اعتراض توده‌های توجه بوده به ناگزیر به ترک روستا دست زدند و این سری از حرکات توده‌های نشک دهنده، خشم و نفرت توده‌های ترک و کرد از این جنایات و کشتارهاست که زحمتکشان منطقه را در برابر هم قرار میدهد.

اخبار رسیده همچنین حکایت از مقاومت مسلحانه روستائیان گانی سپی گیلی، گنده قولان و در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم دارد. مثلاً در روستای گیلی واقع در ۲۳ کیلومتری جنوب جاده جلدیان - گردکشان به هنگام حمله نیروهای مهاجم رژیم ابتدا زن‌ها و کودکان را از روستا خارج و سپس دست به مقاومت میزنند که مهاجمین در اثر مقاومت دلاورانه روستائیان و پیشمرگان وادار به عقب‌نشینی میشوند.

مقاومت مسلحانه زحمتکشان روستا های فوق نشان دهند مابین واقعیت است که رشد و گسترش جنبش مقاومت با ابعاد وسیع توده‌های یافته است و توده‌ها کرد را به ضرورت دفاع از منافع و حقوق خود وامیدارد. این مقاومت توده‌های میبایست از طرف نیروهای انقلابی مورد توجه قرار گرفته و موجب تلاش جهت ساز ماندن مقاومت مسلحانه توده‌های گردد پس سیاست کمونیست‌ها در برابر این قتل عام زحمتکشان کرد توسط عمال رژیم چه باید باشد؟ قبل از هر چیز کار تبلیغی - توضیحی و افشاگرانه حول این جنایات رژیم و بر مبنای آن ارائه تاکتیک مقاومت توده‌های توده‌های، تسلیح و سازماندهی توده‌هاست.

مادر "جوله‌ها" در سخنرانی و کار توده‌های خود ماهیت این کشتارها را که بدست عمال جنایتکار رژیم چون ملاحسنی‌ها و معبودی‌ها صورت می

گیرد را افشا میکنیم و به توده‌ها توضیح میدهم که عکس‌العمل حزب دمکرات که از موضع ناسیونالیستی و مخالف منافع خلق کرد صورت میگیرد آب به آسیاب دشمن میریزد و آتش کینه و نفرت خلق‌های ترک و کرد را دامن میزند. و اضافه میکنیم که

این جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی است که زمینه ساز اعمال فرصت طلبانه و صد انقلابی حزب - دمکرات میگردد.

لیکن افشاگری به تنهایی کافی نیست میبایست نه فقط توده‌ها را به مقاومت تشویق کرد بلکه هملا به سازماندهی و تسلیح توده‌ها، بویژه در مناطقی که در معرض تهاجم دارو دسته‌های مرتجع هستند پرداخت.

از نظر سازماندهی مقاومت توده‌های شوراهای ده، مناسبترین شکل سازمان برای مقاومت توده‌های در روستاهاست. شورای ده تحت هدایت و رهبری پیشمرگان انقلابی جنبش مقاومت میتواند ضمن تسلیح خود برای پیشگیری و تامین امنیت لازم، محله‌های امن برای حفاظت احشام و... را سازمان دهند. مثلاً در جریان هجوم سرکوبگران به روستای رسول آباد اگر قیادت ادارک وسایل حمل و نقل از رودخانه دیده شده بود، از تعداد تلفات زحمتکشان کاسته میشد.

به هنگام درگیری با مزدوران رژیم پیشمرگان و شوراها سلاح سایر روستاها موظف هستند که به کمک روستاهای مورد تهاجم بشتابند و در جریان خسارات وارد کمک نمایند از سوی دیگر برای اینکه توده‌ها و زحمتکشان سراسر ایران ماهیت جنایات این رژیم را که امروزه در پوشش جارو جنجان جنگبار عراق، در کردستان صورت میگیرد بهتر بشناسند برای اینکه ماهیت ارتجاعی هیئت حاکمه جنگ ایران و عراق را بر ملا ساخته و پرده توهم توده‌ها را درید کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی موظفند که

دفاع طلبان و... سخن سمت اصلی مبارزه (ضربه) نمی تواند جغرافیایی تعیین شود: در یک منطقه علیه رژیم عراق و در یک منطقه علیه رژیم جمهوری اسلامی. این تناقض است که با حفظ موضع "دفاع طلبی"، در عمل همانطور که گفتیم به نتیجه‌های میرسد که سازمان چریکها (اکثریت) رسید اینست نتیجه منطقی و عملی "دفاع طلبی" در جنبش خلق کرد اینجاست که گرایشات و مواضع تند روی بیونیستی پوسته مارکسیستی خود را می شکند و در پهنه نظری و عملی به منصفانه ظهور می رسند. \* توجه به دفاع از شوراها و فرمایشی اسلامی بعنوان نطفه - های شوراها و لنینی (مقاله "در کجا ایستاد ما" راه کارگر - شماره ۲۸) در گذشته و ارائه شعار "افزایش تولید در شرایط جنگ ایران و عراق، توسط راه کارگر" مسئله را، بازم روشنتر می سازد. در مورد شعار اخیر و مفهوم آن مراجعه کنید به شماره‌های ۸۱ و ۸۲ "پیکار" مقاله "افزایش تولید در جنگ ارتجاعی شعاری در خدمت طبقه سرمایه دار" نقل قولهای داخل گیومه از جزوه "جنگ فروزی‌های هیئت حاکمه در کردستان به نفع کیست" راه کارگر کردستان:

\*\*\* لازم به توضیح است که "دفاع طلبی" راه کارگر بشدت به اید‌های سوسیال شونیستی آغشته است و وجوه اشتراک بسیاری با آنها دارد.

## در مقابل یورش ارتش و پاسداران و جاشها زحمتکشان "سیدآباد" "لاچین" و "ابندرقاش" مسلحانه ایستادند

بمابین ترتیب مقاومت و پایداری مردم نه تنها باعث شد قتل عامهای "ابندرقاش" و "۰۰۰ تکران نشد، بلکه برعکس ضربات مهمی بر خود مزدوران رژیم نیز وارد آمد. بعلاوه این مقاومت دلاورانه نشان داد که زحمتکشان کرد در مقابل هجوم نیروهای سرکوبگر رژیم تنها با زبان اسلحه می توانند سخن گویند. این نمونه و بسیاری نمونه‌های دیگر نه تنها یکبار دیگر ماهیت خیانتکارانه شعار صلح عادلانه سازمان چریکها (اکثریت) را بر ملا می‌سازد، بلکه همچنین ماهیت شعارهای انحرافی نیروها بی چون و چاره را "گرمندگان" که از رژیم نقضای آتش بس میکنند و به آن‌ها و اندرزمید هند را بخوبی عیان می‌سازد، زیرا اگر مردم روستاهای سیدآباد و "۰۰۰ می‌خواستند صحبت آنها گوش کنند و بدشویه ای که آنها می‌گویند عمل کنند اکنون شاهد "قارناهای دیگری بودیم."

\* - برای توضیح بیشتر به سرمقاله همین شماره مراجعه نمایید.

و یکپارچه مردم روستاها و پیشمرگان روبرو شدند. در این درگیری‌ها که حدود ۱۲ ساعت بطول انجامید مردم قهرمانانه به دفاع از خویش پرداخته و به کمک پیشمرگان نیروهای سرکوبگر را به عقب راندند. مزدوران رژیم نه تنها نتوانستند وارد روستاها شوند بلکه با دادن تلفات زیاد مجبور به بازگشت به مهاباد شدند. نیروهای ضد خلق ناتوان از در هم شکستن اراده مردم پیشمرگان در هنگام عقب نشینی با پرتاب خمپاره از تپه "داشامجید" (تپه مشرف بر شهر مهاباد) بسوی مناطق مسکونی اطراف شهر، ۳ خانه مسکونی را در محله "مجبورآباد" ویران کردند.

طبق اخبار موجود در مقابل مردم و پیشمرگان در روستاهای فوق بانبروهای سرکوبگر رژیم شنس نفر ارتش به هلاکت رسیدند و یک پیشمرک دمکرات بنام "مصطفی" به شهادت رسید. در این جریان همچنین ۲ پیشمرک و ۲ نفر از اهالی سیدآباد زخمی گردیدند.

هیئت حاکمه ضد خلقی همچنان به سیاست قتل عام زحمتکشان ادامه می‌دهد و هر روز شاهد نمونه‌های جدیدی از پیاده کردن این سیاست جنایتکارانه هستیم. سیاستی که یکبار دیگر پرده از چهره کریه حکومت "مدافع مستضعفین" بر میدارد و ماهیت ضد مردمی آنرا به نمایش می‌گذارد. این یک جنبه از واقعیت است، جنبه دیگر آن مقاومت و پایداری زحمتکشان کرد است که در مقابل این همه وحشیگری و سرکوب خونین تسلیم نشده و قهرمانانه به دفاع از هستی و زندگی خود برخاسته‌اند. خلق کرد بدرستی دریافته است که تنها با ادامه مقاومت و پیشبرد مبارزه انقلابی است که می‌توان به مقابله با مزدوران رژیم پرداخت و مانع از تکرار فجایع و قتل عامها بدست جلادان رژیم جمهوری اسلامی گردید.

متن زیر گزارش مختصری است از مقاومت قهرمانانه مردم روستای سیدآباد، "لاچین" و "ابندرقاش" (که همین جندی قبل ۱۶ نفر از مردم آن توسط مزدوران رژیم قتل عام شدند). این گزارش بیانگر تسلیم ناپذیری و اراده خلق نا پذیر زحمتکشان در مبارزه برای رهایی از زیر یوغ هرگونه ستم و استثمار است. جریان واقعه به این ترتیب بود که در روز ۱۳ / ۹ / ۵۹ - ساعت ۸ صبح ستونهایی از نیروهای ارتش، پاسداران و جاشها برای به اصطلاح "پاکسازی" و در واقع برای سرکوب و کشتار مردم روستا از مهاباد بطرف دهات سیدآباد "لاچین" و "ابندرقاش" حرکت کردند. ولسی در هر ۳ روستا با مقاومت دلیرانه

